

استاد ماهیار نَوّابی (زندگی نامه و آثار)

محمود طاووسی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر یحیی ماهیار نَوّابی در یازدهم مهرماه ۱۳۷۹، دور از وطن و هنگامی که برای دیدار فرزندش به سوئد سفر کرده بود، بر اثر ایست قلبی، در حالی که همراه دخترش، میترا، عازم منزل بود بدرود زندگی گفت. خود او، آرزو داشت، نه در بستر بلکه ایستاده و بر پا بمیرد. باری، جامعه فرهنگی ایران، با از دست دادن او، از خدمتگزاری آگاه و پژوهنده‌ای توانا محروم ماند. روانش شاد.

استاد نَوّابی ذهنی وقاد و نظری تیزبین و دل‌بستگی کم‌نظیر به ادبیات و زبان و فرهنگ کهن ایران داشت؛ در کلاس درس، با نشاط و شادابی حضور می‌یافت و این حال را به شاگردانش القا می‌کرد. هرگز دمی از آموزش باز نایستاد. حتی، در دیدارهای دوستانه، هم‌کاران و شاگردانش، که بیشترشان خود به درجه کمال علمی رسیده بودند، از محضرش بهره‌مند می‌شدند و نکته‌ها می‌آموختند. هر دیدارش برای آنان مجلس درس بود.

استاد نَوّابی در دهم دی‌ماه ۱۲۹۱، در یکی از خانواده‌های اصیل شیرازی، چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در شیراز و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و دبیرستان البرز تهران گذراند. پس از اخذ مدرک لیسانس ادبیات، دوره دکتری آن رشته را نیز در ۱۳۲۵ در دانشگاه تهران به پایان برد و پایان‌نامه‌اش را درباره *کتیبه بختان (بیستون)* نوشت. سال بعد، با درجه دانشیاری، در دانشکده ادبیات تبریز به تدریس پرداخت و، پس از دو سال، برای فراگرفتن زبان‌های باستانی ایران به اروپا رفت و سال‌های

۱۹۴۹-۱۹۵۱، در مدرسه زبان‌های شرقی دانشگاه لندن (SOAS)، نزد پروفسور هنینگ زبان‌های کهن ایران را آموخت و یک سال نیز در دانشگاه کوئینگز آلمان به آموختن زبان‌های تخاری و ترکی کهن پرداخت.

پس از بازگشت به میهن، نخست با همان سمت دانشیاری و سپس درجه استادی به خدمت در دانشگاه تبریز ادامه داد و مدتی دراز، افزون بر آموزش زبان‌های باستانی ایران در آن دانشگاه، ریاست دانشکده ادبیات را نیز عهده‌دار بود. در سال ۱۹۵۷، برای آشنایی با شیوه اداره دانشگاه‌ها و دانشکده‌های آمریکا، برای مدت یک‌سال به دانشگاه‌های کلمبیا و مینیاپولیس آمریکا اعزام شد. پس از بازگشت از این سفر علمی، تا سال ۱۳۴۱ هم‌چنان ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. در خردادماه این سال، با عنوان رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، به آن کشور رفت و دو سال و نیم این وظیفه فرهنگی را عهده‌دار بود. پس از بازگشت از پاکستان، به سمت استادی زبان‌های کهن ایران، در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و، پس از چندی، به ریاست گروه زبان‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در آن دانشگاه انتخاب شد. مدت چهار سال در این مقام بود و در سال ۱۳۵۲، به درخواست خودش، بازنشسته شد. اما، در همان اوان، با عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز و رئیس مؤسسه آسیایی، که پروفسور پوپ بنیان‌گذارش بود، روانه شیراز شد و تا سال ۱۳۵۸، یک‌سال پس از انقلاب اسلامی، در شیراز بود. در این مدت، بخش آموزش مؤسسه آسیایی را فعال کرد و دو رشته کارشناسی ارشد «تاریخ و فرهنگ ایران» و «فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران» را در آن مؤسسه دایر کرد. وی، با انتشار پژوهش‌نامه مؤسسه آسیایی و گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی در پنجاه و هفت مجلد، در معرفی فرهنگ ایران به جهانیان خدمت ارزنده‌ای کرد.

استاد نوابی، در دوران خدمت دولتی و پس از آن، فعّالانه در مجامع معتبر فرهنگی داخلی و خارجی شرکت می‌کرد و عضویت مراکز فرهنگی زیر را داشت:

– انجمن فرهنگ ارتش، که در سال ۱۳۴۷ در ستاد ارتش تأسیس شده بود تا واژه‌های

فارسی را جانشین واژه‌های بیگانه رایج در ارتش سازد؛

– فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان دوم) (به عنوان عضو پیوسته) تا سال پیروزی

انقلاب اسلامی؛

– انجمن مجموعه سنگ‌نشته‌های ایرانی (Corpus Inscriptionum Irānicarum)؛

– انجمن پژوهش‌های مهری (Society of Mithraic Studies)؛

– کنگره تحقیقات ایرانی (به عنوان عضو مؤسس) که هر سال یک هفته در یکی از مراکز دانشگاهی کشور در شهریور ماه منعقد می‌گشت.

شادروان استاد ماهیار نوابی، طی سفرهایی که به اقصی نقاط جهان کرده بود، به مرور، کتاب‌های تخصصی مورد علاقه خود و نسخه اصل یا تصویری مقالات معتبر درباره فرهنگ ایران را فراهم آورده و مجموعه‌های آنها را، به تفکیک موضوع، مجلد ساخته بود. این مجموعه‌ها موجود است و منابعی گران‌بها برای تحقیقات ایرانی به شمار می‌رود. خوش‌بختانه کتابخانه ارزشمند استاد در اواخر عمر ایشان به تملک فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمد که جایگاه درخور آن است.

استاد، در طی پنجاه و اند سال خدمات فرهنگی، دست به نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی زد و کتاب‌های متعددی تألیف یا ترجمه کرد. نگارنده مجموعه مقالات و تک‌نگاری‌های ایشان را، در دو مجلد، فراهم آورده و به چاپ سپرده است. جلد اول آن در سال ۱۳۵۴ جزو مجموعه پنجاه و هفت جلدی گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی، با شماره ۵۰، منتشر و جلد دوم آن در سال ۱۳۷۹ (یک‌سال پس از درگذشت استاد) با سرمایه انتشارات نوید شیراز به جامعه فرهنگی کشور عرضه شده است.

از نظر موضوعی، پژوهش‌های استاد را می‌توان به بخش‌های زیر دسته‌بندی کرد.

مقالات و رسالات

۱. درباره زبان آذربایجان که در سال‌های اقامت استاد در تبریز نوشته شده و در نشریه دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده است:

– «زبان کنونی آذربایجان» (سال پنجم، شماره‌های ۱-۴، ۱۳۳۲ و سال ششم، شماره‌های ۱-۴، ۱۳۳۳، جمعاً در ۱۴۶ صفحه) که تحقیقی است جامع درباره زبان آذری. در این پژوهش، به موضوعاتی چون زبان آذری، آذری و ترکی، تور و توران و ترک، ترک در ادبیات فارسی، زبان ترکی در آذربایجان، زبان‌های معمولی آذربایجان، اختلاف تلفظ و تغییرات حروف و آواها در فارسی و آذربایجانی و اشاعه زبان فارسی در آذربایجان پرداخته شده است.

– «یک سند کهن» (سال پنجم، دی-بهمن ۱۳۳۲، ص ۲۲۵-۲۳۴). در این مقاله، سندی محفوظ در موزه دانشگاه تبریز، درباره دیه هرزن آذربایجان به لهجه آذری قدیم بررسی شده که تاریخ کتابت آن ۷۹۱ هجری است. این سند، از نظر قدمت و روش نگارش و محتوا بر نام‌های چند دیه از دیه‌های آذربایجان و نیز پاره‌ای اعلام جغرافیایی آن سامان، شایان توجه است.

– «چکستانی میسندیم» (سال هفتم، ۱۳۳۴، ص ۴۱-۴۴). عنوان این مقاله عبارتی است از کتاب مزارات تبریز، از زبان ماما عصمت، که خود یکی از اولیا بوده است.

– «زبان مردم تبریز در پایان سده دهم و یازدهم هجری» (سال نهم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۳۶، ص ۲۲۱-۲۳۲ و ۳۹۶-۴۲۶). این مقاله، که در آن از بخش دوم رساله مولانا روحی انارجانی، که به لهجه محلی مردم تبریز است، سخن می‌رود، از نظر تحقیقات زبان‌شناسی و بررسی گویش‌های کهن و فرهنگ مردم آذربایجان، بسیار ارزشمند و درخور توجه است.

۲. درباره لهجه شیرازی

– «لهجه شیرازی تا قرن نهم هجری». اصل مقاله به زبان انگلیسی بوده و، برای نشر در نشریه دانشکده ادبیات تبریز، (سال هفدهم، شماره ۱، ۱۳۴۴، ص ۷۷-۹۰)، به فارسی برگردانیده شده است. در آن، ضمن بررسی زبان و گویش شیرازی تا قرن نهم، نمونه‌ای از شعرهای شیرازی شاه داعی‌الله و بیتی شیرازی که در فرهنگ سروری آمده ترجمه و شرح شده است.

– «The Dialect of Shiraz till 9th Century H. (15th A.D.)». این مقاله نخستین بار در یادنامه اونوالا (بمبئی، ۱۹۶۴) منتشر شده و، چون غلط‌های چاپی فراوان داشته، مجدداً در پژوهش‌نامه مؤسسه آسیایی (شماره‌های ۲-۳، ۱۳۵۴، ص ۲۲-۳۹) به چاپ رسیده است.

– «زبان مردم شیراز در زمان سعدی و حافظ». این مقاله در کنگره جهانی سعدی و حافظ (شیراز، ۷-۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰) ارائه شد و، در آن، ابیاتی از شاه داعی‌الله به گویش شیرازی ترجمه و شرح شده است.

– استاد اشعار دیوان شمس پُسناصر، شاعر معاصر شاه ابواسحاق اینجو (قرن هشتم هجری)، به گویش شیرازی را، طی مقاله‌های متعدّد، بازخوانی، آوانویسی و به فارسی گزارش کرده است. ترتیب نشر آنها چنین بوده است:

«سه غزل از شمس پُیس (= پسر) ناصر» (پژوهش‌نامه مؤسسه آسیایی، سال سوم، ۱۳۵۶، شماره‌های ۳-۴، ص ۸۳-۱۰۰)؛ «دو غزل از شمس پُیس ناصر» (همان، سال چهارم، ۱۳۵۷، ش ۱، ص ۱-۱۰)؛ «دو غزل دیگر از شمس پُیس ناصر» (همان، سال چهارم، ۱۳۵۷، شماره‌های ۲-۴، ص ۱-۱۵)؛ «برگی از دیوان شمس پُیس ناصر» (چیستا، سال اول، شماره ۸، ص ۹۳۶-۹۴۳)؛ «نخستین برگ از دیوان شمس پُیس ناصر» (آینده، دوره ششم، ۱۳۵۹، شماره ۷، ص ۵۰۱-۵۰۶)؛ «شمس پُیس ناصر، شاعر شیرازی» (فروهر، ۱۳۶۲، شماره ۴، ص ۴۰۳-۴۲۲)؛ «چند غزل از شمس پُیس ناصر» (نامه فرهنگستان، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۷-۳۸)؛ «قصیده‌ای و غزلی از شمس پُیس ناصر» (نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۶-۵۲)؛ «یک بیت شیرازی» که در جوامع التواریخ حسنی آمده (آینده، سال هفتم، شماره‌های ۱ و ۲، ص ۴۴)؛ «تز اول آن رُی نهکو بوادی» از غزل حافظ (چیستا، سال سوم، ۱۳۶۵، شماره ۸، ص ۵۹۳-۵۹۸)؛

۳. مباحث مربوط به بررسی واژه‌های کهن فارسی که در متون فارسی به کار رفته و ارائه صورت درست آنها که از مهم‌ترین کارهای استاد است و مقاله‌های متعددی به آن اختصاص یافته است.

– «پنج واژه از شاهنامه». استاد در این نوشته به واژه‌های «ضحاک»، «بیان» در ببر بیان و «کاتوزیان، نیساریان و نسودی»، واژه‌هایی که در شاهنامه تصحیف شده‌اند، پرداخته و معانی لغوی و صورت اصلی و درست (سه واژه اخیر) را ارائه داده است. این مقاله ابتدا، به صورت سخنرانی در «نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه فردوسی» ارائه و سپس، در مجموعه سخنرانی‌های منتشر شده این جلسات در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسیده است.

– «مقرنس» که در اولین کنگره تحقیقات ایرانی ارائه و سپس، در مجموعه مقالات کنگره مزبور، به همت دانشگاه تهران، منتشر شده است. این مقاله بعداً با تغییراتی به انگلیسی در آمد و در پژوهش‌نامه مؤسسه آسیایی (۱۹۷۶، شماره‌های ۱-۴) به چاپ رسید.

– «عمامه شیر و شکری»، مؤلف در این مقاله به بررسی علمی اصطلاح «شیر و شکری» پرداخته و اصل آن را «شیر و شکردی» دانسته است. این نوشته در مینوی‌نامه به چاپ رسیده است.

– «تصحیح بیتی از شاهنامه» که در این نوشته ترکیب «انبار مرد»، با ارائه دلایل، صورت تصحیف شده «انبارِ مزد» دانسته شده است. این مقاله در سخنرانی «چهارمین کنگره

تحقیقات ایرانی» (دانشگاه شیراز، ۱۱-۱۶ شهریور ۱۳۵۲) ایراد شده و سپس، در مجموعه مقالات کنگره مزبور به چاپ رسیده است.

– «لکن»، مقاله ارائه شده در «کنگره بزرگداشت سیویه» (دانشگاه شیراز، ۷-۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۳).

– «کُنج» (پژوهش نامه مؤسسه آسیایی، شماره‌های ۱-۳، ۱۳۵۵)، بررسی واژه‌ای از شاهنامه:

«اگر تندبادی برآید ز کنج ز بیخ افکند نارسیده ترنج».

– «پسوند -ang» در زبان فارسی. این مقاله به انگلیسی است و در *Bulletin of the Iranian Culture Fundation* (شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۵۰) به چاپ رسیده است.

– مقاله «*Vaxšēn Kermag (silk worm)*» به زبان انگلیسی که در *Studia Iranica* (Tome 4, 1975) به چاپ رسیده است.

– «تخت سپهری» (پژوهش نامه مؤسسه آسیایی، سال سوم، ۱۳۵۶، شماره‌های ۲-۴).

– «سهستن = دیدن» (چستا، سال دوم، دی ۱۳۶۱، شماره ۵، ص ۴۲۶).

– «خزروان (؟) اولاد» (چستا، سال اول، ۱۳۶۰، شماره ۶، ص ۶۶۴-۶۶۹).

– «وهر، واژه‌ای از شاهنامه» (چستا، سال دوم، ۱۳۶۱، شماره ۳، ص ۳۳۵-۳۴۱).

– «نویکنند-نگار کند» (چستا، سال دوم، ۱۳۶۱، شماره ۴، ص ۴۳۷-۴۳۸).

– «هیچ، ایچ» (فرهنگ، کتاب ششم، بهار ۱۳۶۹، ص ۱-۱۰).

– «'باشد'» در هفتاد مقاله (ارمغان ادبی و فرهنگی دکتر غلامحسین صدیقی)، (گردآورنده یحیی مهدوی و ایرج افشار، ۱۳۷۱، ص ۵۶۷-۵۷۲).

– «سه واژه از کتاب سیرت رسول الله» (فرهنگ، کتاب سیزدهم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۳۹-۲۴۴).

– «مگر» (دانشنامه، تابستان ۱۳۷۳، شماره ۹).

– «مر» (همان، شماره ۱۰ و ۱۱).

– «گیان» در «گشاد این ترک‌خو چرخ کیانی» (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۶، شماره ۳-۴، ص ۵۶۷-۵۷۲).

– «تاجیک و تازیک» (مجموعه مقالات دکتر نوابی، گردآورده محمود طاووسی، ج ۲، ص ۴۳۳-۴۴۶).

– «قشقای» ارائه شده در گردهمایی شوش در سال ۱۳۷۳، چاپ شده در مجموعه مقالات نوابی (ج ۲، ص ۴۴۷-۴۵۰).

– «دولت نه به کوشیدن است، چاره کم جوشیدن است» بررسی و تصحیح عبارتی از

- گلستان سعدی، باب سوم (نامگانی علی سامی، به کوشش محمود طاووسی، ج ۲، ص ۲۷-۳۶).
- «Cornice» که ترجمه انگلیسی مقاله «مقرنس» است. (پژوهش نامه مؤسسه آسیایی، ۱۹۷۶، شماره های ۱-۴، ص ۹۷-۱۰۲).
- «Middle and Modern Persian Bās 'be'» (پژوهش نامه مؤسسه آسیایی، دوره جدید، ۱۹۹۰، ص ۲۴۳-۲۴۴).
- (*Studia Iranica*، سال ۲۲، شماره ۹۳) «Goyān tent».
- «Notes on The Interpretation of the Terms Sōrān & Sōrāni», (*Acta Kurdika*, 1994, vol. 1, pp 79-80).
- «روز مرگ یزدگرد شهریار و درازای پادشاهی او، که تحقیقی تاریخی است و در نخستین مجمع علمی بحث درباره شاهنامه» (استان هرمزگان، ۲۳ تا ۲۷ آبان ۱۳۵۶) ایراد شده و سپس، در شاهنامه شناسی (انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران ۱۳۵۷) چاپ شده است.
۴. تحقیقات و پژوهش های استاد در زمینه زبان ها و ادبیات باستانی ایران که بیشتر آنها در سال های اشتغال ایشان در دانشکده ادبیات تبریز انجام گرفته و حایز اهمیت و فواید علمی پرارزشی است:
- «سنگ نبشته بغستان (بیستون)»، که به درخواست مجله سخن تألیف شده و در همان مجله (سال سوم، آذر و دی ۱۳۲۵، شماره های ۶ و ۷) چاپ شده است.
- «یادگار بزرگمهر»، متن پهلوی و ترجمه فارسی آن با توضیحات و تصحیحات لازم، (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال یازدهم، پاییز ۱۳۳۸، ص ۲۸۵-۳۳۳).
- «اندرز آذرباد مارسپندان»، متن پهلوی و ترجمه فارسی با توضیحات، (همان، سال یازدهم، زمستان ۱۳۳۸، ص ۵۰۴-۵۲۸).
- «اندرز دانایان به مزدیسنان و اندرز خسرو قبادان»، (همان، سال دوازدهم، بهار ۱۳۳۹، ص ۱۲۷-۱۴۴).
- «چند متن کوچک پهلوی» (اندرز های پیشینیان و جز آن)، (همان، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۳۹، ص ۲۴۵-۲۶۵).
- «گزیده اندرز پوریوتکیشان»، (همان، سال دوازدهم، زمستان ۱۳۳۹، ص ۵۱۳-۵۳۵).
- «واژه ای چند از آذرباد مارسپندان» متن پهلوی و ترجمه فارسی و توضیحات، (همان، سال سیزدهم، بهار ۱۳۴۰، ص ۱۱-۳۰).

– «اندرز دستوران به بهدینان»، متن پهلوی و ترجمۀ فارسی و توضیحات، (پژوهش‌نامه مؤسسه آسیایی، سال سوم، بهار ۱۳۵۶، شماره ۱، ص ۵۳-۶۷).

– «نویکندی از سده دوم میلادی»، معرفی و خواندن متن نگارکندی از بلاش (ولحش) اشکانی (چیستا، سال چهارم، بهمن ۱۳۶۵، ص ۴۰۹-۴۱۰).

– «A Small Partian Inscription from the Nayyeri Collection»، که ترجمۀ مقاله بالاست و در مجموعه مقالات نوایی (ج ۲، ۱۱-۱۲) آمده است.

– «نکته‌ای چند درباره تصحیح و ترجمۀ متن پهلوی خسرو قبادان و ریدک از اونوالا»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره ۱، سال هفتم، خرداد ۱۳۳۴، ص ۹۷-۱۱۲).

– «سر خلال دندان را باید به زمین مالید؟» که تصحیح و بازخوانی عبارتی است از متن پهلوی «اندرز دستوران به بهدینان» (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هفدهم، شماره دوم، ص ۹۵-۱۰۱).

– «سرآغاز» کتاب بندهش TD1، (چاپ‌شده به شماره ۸۸ در مجموعه انتشارات بنیاد فرهنگ ایران) که معرفی نسخه TD1 است. این نوشته بعداً در مجموعه مقالات ایشان (کتاب شماره ۵۰ از مجموعه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی، به‌گردآوری نگارنده، ص ۳۲۷-۳۴۳) آمده است.

۵. پژوهش‌های استاد در زمینه فرهنگ و ادب فارسی پس از اسلام:

– مجموعه مقالات مربوط به «خانندان وصال شیرازی» (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۳۴، ص ۱۹۰-۲۳۹؛ شماره ۳، ۱۳۳۴، ص ۳۵۶-۳۸۸؛ شماره ۴، ۱۳۳۴، ص ۳۹۳-۴۵۹). در این مقاله‌ها، شرح حال و آثار وصال شیرازی، وقار، حکیم داوری، فرهنگ، توحید و یزدانی، با شرح و بسط تمام آمده است. این نوشته که بعدها به صورت کتاب به چاپ رسید یکی از منابع مهم درباره خان وصال شیرازی، شاعر و هنرمند معروف دوره قاجاریه، و فرزندان هنرمند اوست.

– «یکی از منابع پهلوی شاهنامه»، سخنرانی ارائه شده در «دومین هفته فردوسی»، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (مشهد) که در مجموعه سخنرانی‌های اولین و دومین هفته فردوسی (ص ۱۹۳-۳۴۳) چاپ شده است.

– «Concordances of the Manuscripts of the *Bondahišn*: TD2, TD1 and DH»

که نخست در یادنامه مناش (Jeande MENASCE) (۱۹۷۴، 293-303) به چاپ رسید و سپس،

روان شاد مهرداد بهار بخشی از آن را، عیناً، در مقدمه ترجمه بندهش خود (تهران ۱۳۶۹، ص ۲۲-۳۷) آورد.

- «غزلی از مولانا با قافیه یونانی» (آینده، سال شانزدهم، آذر-اسفند ۱۳۶۹، ص ۶۸۵-۶۸۹).
- «نکته‌ای چند درباره حافظ» (فروهر، سال ۲۷، ۱۳۷۱، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، ص ۴-۱۵).
- «آفرین و نفرین فرخی» (نشریه علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳).
- «امثال و حکم، از دیوان مولانا جلال‌الدین بلخی رومی، معروف به دیوان شمس تبریزی» که پژوهش مفصلی است (حدود ۱۸۰ صفحه) و در جلد دوم یادنامه مفاخر کرمان (۱۳۷۸) به چاپ رسیده و این نوشته آخرین اثر چاپ‌شده استاد است.

کتاب‌های تألیفی و تصحیحی

- منظومه درخت آسوریک شامل متن پهلوی، آوانوشت، ترجمه فارسی، فهرست واژه‌ها، یادداشت‌ها و مقدمه‌ای درباره این اثر کهن، هم‌چنین، ترجمه مقاله و. ب. هنینگ درباره این منظومه با عنوان «شعری به زبان پهلوی» (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶).
- دیوان وقار شیرازی (ج ۱، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ۱۳۴۸). این کتاب در بر دارنده قصاید وقار است از حرف «الف» تا «ر».
- کتاب‌شناسی ایران (*A Bibliography of Iran*)، شامل ده جلد که جلد نخستین آن، در سال ۱۳۴۷، به همت بنیاد فرهنگ ایران منتشر شد و جلدهای دیگر آن را (تا جلد نهم)، سال‌های بعد تا ۱۳۷۱، بنیاد فرهنگ ایران و سپس مرکز مطالعات فرهنگی منتشر کرد. جلد دهم آن نیز در اختیار این مرکز است که امیدواریم هر چه زودتر چاپ و منتشر شود. این مجموعه ارزشمند، که استاد نوابی چهل سال از عمر خود را صرف تدوین آن کرده است، دربر دارنده حدود صد هزار عنوان مقاله و کتاب، به ترتیب موضوعی، درباره فرهنگ، تاریخ، ادیان و هنرهای سرزمین ایران است. استاد درباره گردآوری و تنظیم این کتاب نوشته است:

گردآوری این فهرست را در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۳۰، که در لندن و گوتینگن بودم... آغاز کردم. در آن زمان، آگاهی بیشتر خویش از پژوهش دانشمندان را، کوشیدم تا فهرستی، تنها از مقاله‌هایی که درباره ایران باستان نوشته شده است گرد کنم و کردم آنچه توانستم. در سال ۱۳۳۶ که بنا به دعوتی، برای آشنایی بیشتر به آموزش و پرورش آمریکایی سالی را در آن کشور گذراندم باز کار پیشین را دنبال کردم... در همین سال جناب آقای تقی‌زاده... در نیویورک

بودند و چون بر کار من آگاهی یافتند مرا تشویق بلکه اغوا فرمودند که این فهرست را شامل همه کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره ایران، چه پیش از اسلام و چه پس از آن است بکنم. در آغاز این کار خرد و آسان می‌نمود ولی آن‌چنان که می‌نمود نبود، چنان‌که اکنون پس از دوازده سال... جلد نخست این فهرست منتشر می‌شود^۱.

نگارنده، طی سال‌ها همکاری با استاد، شاهد تلاش‌های پیگیر ایشان در تدوین این اثر بوده است. این‌جانب به ویژه، به هنگام تنظیم و حروف‌چینی برای چاپ گاه شاهد بوده‌ام که ایشان چندین ساعت در روز را صرف مرتب کردن و کنار هم چیدن حروفی می‌کرد که در ماشین‌های تحریر آن‌روزها نبود، مانند برخی حروف لاتینی و یونانی؛ و از پشتکار و عشقی که به این کار می‌ورزید در شگفت بودم.

— گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی در ۵۷ مجلد شامل چاپ تعدادی از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های پارسیان هند، به زبان‌های پهلوی و اوستایی، که اغلب آنها برای نخستین بار چاپ شده است. از این ۵۷ مجلد، دو جلد آن (جلدهای ۳۹ و ۵۱) به مجموعه مقالات «پرفسور فرای» و یک جلد آن (جلد ۵۰ به گردآوری نگارنده) به مجموعه مقالات خود ایشان اختصاص دارد. در تدوین این آثار که بیش از پنج سال به طول انجامید و این‌جانب نیز افتخار همکاری ایشان را داشتم، دکتر دستور کیخسرو جاماسب‌آسا، هم‌کاری‌های ارزنده‌ای داشت و، با سفر به ایران و آوردن شماری از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه کامای بمبئی، مقدمات کار را فراهم ساخت. سپس، بقیه مراحل کار، طی سفر استاد و این‌جانب به هندوستان، برای تهیه فیلم از برخی نسخه‌های خطی دیگر متعلق به کتابخانه‌های پارسیان هند، به انجام رسید و، با تلاش شبانه‌روزی، کار تهیه این گنجینه نفیس و ارزشمند پایان یافت. جلد اول این مجموعه در سال ۱۳۵۴ و جلد پایانی در ۱۳۵۸ منتشر شد.

استاد نوابی پیش‌گفتاری یکسان برای کل مجموعه و مقدمه‌ای برای معرفی هر نسخه به زبان فارسی نگاشت. ضمناً مقدمه‌ای نیز به قلم دکتر جاماسب‌آسا، به زبان انگلیسی، در هر نسخه آورده شده است. این مجموعه در مقطع و اندازه‌های متفاوت از یکدیگر (به اندازه اصل نسخه خطی) و جمعاً حدود پانزده هزار صفحه است.

— یادگار زریران، (انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۷۴) شامل متن پهلوی، ترجمه فارسی،

(۱) نوابی، ماهیار، کتاب‌شناسی، ج ۱، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۸، دیباچه.

واژه‌نامه و توضیحات این کتاب، که یکی از آثار بسیار کهن به زبان فارسی میانه است و بنا به نظر دانشمندان ایران‌شناس در اصل به زبان پهلوی اشکانی بوده و سپس به فارسی میانه بازنویسی شده، شاید اولین تعزیه و یا نخستین تراژدی ایرانی باشد که برای ما باقی مانده است.

— مجموعه مقالات پروفیسور بیلی، دکتر نوابی به پروفیسور بیلی، ایران‌شناس نامدار انگلیسی، اعتماد و احترام بسیار داشت و مجموعه مقالات وی را، با کسب اجازه، فراهم آورد تا به چاپ برساند. دو مجلد از آن، شامل ۷۳ مقاله، که تا سال ۱۹۵۲ نوشته شده بود با نام *Opera Minora* و با مقدمه استاد نوابی در سال ۱۹۸۱، به همت انتشارات فروزنگه شیراز، به چاپ رسید. قرار بود مجلدات بعدی نیز به همین ترتیب منتشر شود که مشکلات چاپ در دهه‌های اخیر این فرصت را به استاد نداد.

استاد نوابی در سرودن شعر نیز دستی قوی داشت؛ اما هرگز در اندیشه آن نبود که شعرهای خود را گردآورد. نگارنده، در طی ۴۰ سال شاگردی و هم‌نشینی و همکاری با استاد، شماری از شعرهای ایشان را که شنیده و یادداشت کرده بود در پایان جلد دوم مجموعه مقالات ایشان آورده است. او در شاعری به شیوه فرخی توجه داشته و اصطلاحات و واژگان کهن و اصیل ایرانی را، با مهارت تمام، در شعرهای خود آورده است. روانش شاد باد.

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی